

شکاف تورم و دستمزد در عصر تحریم

بررسی مقایسه‌ای نسبت تورم و دستمزد کارگران و کارکنان دولت در دولت‌های روحانی و رئیسی

اسفند ۱۴۰۱ به ۵۰ درصد رسیده بود. مسئولان دولت سیزدهم دلیل این رشد کم دستمزد را کنترل تورم اعلام کردند. گفتند دستمزد را بالا نمی‌بریم و به جای آن تورم را تا سطح افزایش ۲۰ درصدی دستمزد پایین می‌آوریم تا قدرت خرید خانوار حفظ شود. اما در سه چهارم از سال این وعده محقق نشد و تورم روی ۴۵ درصد ماند.

▼ زمزمه‌های فریز دستمزد

بازدید شدن به پایان سال و تشکیل جلسات سه‌جانبه دستمزد، زمزمه‌های مشابهی از سوی دستگاه‌های دولتی شنیده می‌شود. مسئولان گاه و بیگاه از اثرگذاری افزایش دستمزد بر تورم می‌گویند تا مانند سال قبل جلوی رشد دستمزد به اندازه تورم را بگیرند. در روزهای اخیر، وزیر کار در جمع دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) صحبت‌هایی داشت مبنی بر اینکه افزایش ۵۷ درصدی مزد ۱۴۰۱ تورم را بدهد و اگر آن سال دستمزد تا این پایه افزایش نمی‌یافت، در سال ۱۴۰۱ تورم به ۴۵ درصد نمی‌رسید. وزیر کار اما نگفت که چرا در سال ۱۴۰۲ که دستمزد فقط ۲۷ درصد افزایش یافت، باز هم تورم روی ۴۵ درصد باقی ماند؟ با اظهارات غیرکارشناسی که از زبان مسئولان شنیده می‌شود به نظر می‌رسد دولت بازم خیال ندارد در مذاکرات دستمزدی ۱۴۰۳ به نرخ تورم رسمی در افزایش حداقل دستمزد اعتنا کند؛ پیشنهاد افزایش ۱۸ درصدی حقوق کارکنان دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۳ نیز به نگرانی‌ها در این زمینه دامن زده است.

درصد و حقوق کارمندان دولت صرف نظر از ترمیم‌های موردی، ۶۵ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر دستمزد کارگران ۷/۵ واحد درصد و حقوق کارمندان ۶۵/۹ واحد درصد از تورم عقب افتاده است.

ابراهیم رئیسی که با شعار کاهش فقر و ریشه‌کن کردن فقر مطلق، رئیس دولت سیزدهم شد، عملکردی خلاف شعارها داشته است. افزایش نرخ فقر به بالای ۲۱ درصد و ماندگاری آن روی عدد ۳۰ درصد از عدم اثرگذاری سیاست‌های حمایتی دولت حکایت دارد. تا پیش از دهه ۹۰ افراد با شاغل شدن از ردیف مشمولین فقر خارج می‌شدند اما از یک دهه پیش داشتن شغل و درآمد الزاماً باعث خروج افراد و خانوارها از زیر خطر فقر نمی‌شود که این نتیجه سیاست‌های دستمزدی دولت در شرایط تورمی شدید است.

زنگ خطر افزایش فقر در سال آینده در بودجه ۱۴۰۳ شنیده می‌شود. دولت پیش‌بینی کرده حقوق کارمندان در سال آینده ۱۸ درصد افزایش پیدا کند در حالی که آخرین تورم اعلامی ۴۵ درصد است. با توجه به اینکه دستمزد کارگران هم تقریباً نزدیک به رشد حقوق کارمندان تعیین می‌شود کارگران هم وضعیت دستمزدی مشابهی برای سال آینده خواهند داشت.

ابراهیم رئیسی سال ۱۴۰۱ دستمزد کارگران را ۵۷ درصد افزایش داد. این رشد حقوق توانست قدرت خرید خانوار را ثابت نگاه داشته و اندکی بهبود بخشد اما برای سال ۱۴۰۲ افزایش دستمزد فقط ۲۷ درصد پیش‌بینی شد در حالی که تورم

گروه اقتصاد: حسن روحانی در دیدار اخیر خود با جمعی از علما و روحانیون گفت: «مجموعه تورم ۷ ساله ۹۲ تا ۹۸، ۱۴۲/۵ درصد بود و حقوق کارکنان را هم در این دوره ۱۴۲ درصد افزایش دادیم و نگذاشتیم فشار چندانی به آن‌ها وارد شود.» هر چند روحانی سال ۱۳۹۹ به عنوان یکی از دو سالی که تورم بالای ۳۶ درصد داشته را در این آمار نگنجانده اما مقایسه نسبت تورم و دستمزد کارگران و کارکنان دولت در دولت‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم نشان می‌دهد: این نسبت در دولت رئیسی شرایط وخیم‌تری پیدا کرده است.

در طول دهه‌های ۷۰ و ۸۰ رشد دستمزدها معمولاً فراتر از نرخ تورم بوده و به بهبود عمومی وضعیت نیروی کار منجر شده است اما از پایان دهه ۸۰ و با وضع تحریم‌های خارجی علیه اقتصاد ایران، نرخ تورم در کشور به شدت افزایش یافته اما منابع در اختیار دولت به قدری نبوده که بتواند دستمزد کارکنان خود را متناسب با تورم اصلاح کند

این افت در حقوق کارمندان دولت و سایر سطوح دستمزدی به دلیل افزایش سالانه کمتر نسبت به حداقل دستمزد، قابل اعتنا تر است. هر چند در چند دهه گذشته با نوساناتی این افت رفا اتفاق افتاده اما در دولت سیزدهم روند پرشتاب‌تری پیدا کرده که در نتیجه سیاست‌های دستمزدی در شرایط تورمی شدید اتفاق افتاده است. مقایسه چند آمار ساده تغییر روند در سه دولت گذشته را نشان می‌دهد. در دولت‌های یازدهم و دوازدهم یعنی در دولت روحانی ۱۷۱/۷ درصد تورم ایجاد شده است. در طول این هشت سال مجموع افزایش دستمزد کارگران ۱۷۷/۴ درصد بوده که از نرخ تورم اندکی بالاتر بوده است اما مجموع افزایش حقوق کارمندان دولت ۱۳۴ درصد بوده؛ یعنی ۳۷/۷ واحد درصد از تورم این هشت سال کمتر رشد داشته است. در دولت ابراهیم رئیسی و تنها در ۲ سال و نیم تورمی ۱۳۰/۹ درصدی ایجاد شده است. در چنین شرایط تورمی بی‌سابقه‌ای دستمزد کارگران ۱۲۳/۴

در این بین، روش افزایش سرمایه از طریق تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت، در اقتصاد تورمی و لزوم ارتقا نسبت به کفایت سرمایه، بسیار کاربردی و مورد توجه است؛ چراکه با افزایش تورم در یک کشور، قدرت و ارزش پول آن کشور، افت پیدا می‌کند. در نتیجه این امر، کالاها و خدمات با افزایش قیمت روبه‌رو می‌شوند که سبب می‌شود اطلاعات درباره آن کالا یا خدمات با گذشت زمان، ناقص شود و سرمایه‌گذار نتواند روی آن اطلاعات، حسابی باز کند. یکی از راهکارهایی که می‌تواند نقص این اطلاعات را برطرف کند، تجدید ارزیابی دارایی‌ها است.

در این روش، دارایی ثابت که قبلاً از ارزش و بهای خاصی برخوردار بوده است، دوباره تعیین ارزش می‌شود. بنابراین یک مابه‌التفاوت قیمتی میان قیمت قبلی و قیمت تورم‌یافته وجود دارد که به نام «مازاد تجدید ارزیابی» شناخته می‌شود. بنابراین با قیمت‌گذاری جدید، دارایی‌ها می‌توانند چندین برابر قیمت اولیه ارزش داشته باشند.

امکان خروج از ماده ۱۴۱ قانون تجارت، تقویت ظرفیت تامین مالی، اصلاح ساختار مالی، قابلیت مقایسه بهتر صورت‌های مالی در دوره‌های مالی مختلف برای خود شرکت و در مقایسه با شرکت‌های دیگر از جمله مزایای تجدید ارزیابی است که می‌توانند به نحوی تأثیرگذار بر عملکرد شرکت‌ها باشند.

این موضوع در عین حال که یکی از ظرفیت‌های مغفول مانده بازار سرمایه بوده است در عین حال یکی از خواسته‌های شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌ها از وزیر اقتصاد در نشست‌های مشترک آنها بود چراکه یکی از مشکلات فعلی در بازار سرمایه، گذشت زمان بسیار از تجدید ارزیابی بخش عمده‌ای از دارایی‌های شرکت‌ها و استهلاک بسیار پایین براساس قیمت بهای تمام‌شده است. به همین علت سود اسمی شرکت‌ها، بسیار بالا نشان داده می‌شود. صدور مجوز تجدید ارزیابی شرکت‌ها به واقعی شدن هزینه‌های شرکت‌ها و صرف سود برای توسعه کمک می‌کند و طبیعی است که مجموع این شرایط به بهبود وضعیت بازار سهام نیز کمک کند.

اما در خصوص تأثیر تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌ها بر روند معاملات بورس می‌توان گفت که روند مثبت بازار تابع متغیرهای متعددی است و نمی‌توان صرفاً عامل تجدید ارزیابی را عامل صعودی شدن بازار دانست، آنچه که بازار را به روند مثبت سوق می‌دهد پیش‌بینی‌پذیری آینده و ثبات متغیرهای اقتصادی است.



عکس: ایرنا

بازتاب
۳

تاکتیک عبور از «دهه تعطیلی اقتصاد»

عربستان و تضعیف پیمان‌های خصمانه علیه کشور نشانگر آن است که در کارنامه دولت نه تنها استراتژی توسعه با تکیه بر عوامل درون‌زا وجود دارد که از ظرفیت‌های بین‌المللی نیز غافل نبوده و ظرفیت‌های مغفول را فعال کرده است.

علاوه بر این مجموعه اقدامات دولت سیزدهم نتایجی را در پی داشته که برخی از این نتایج در شاخص‌های کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی، نرخ تورم، متغیرهای کلان پولی، بهبود وضعیت اشتغال و... قابل مشاهده است. میانگین رشد اقتصادی کشور در ۸ سال دولت قبل به‌طور میانگین حدود یک درصد و در ۴ سال پایانی دولت قبل، به‌طور میانگین پنج صدم درصد بود؛ یعنی دولت قبل کشور را با رشد اقتصادی نزدیک صفر به دولت سیزدهم تحویل داد.

اما اکنون در دو سال پیاپی رشد اقتصادی کشور که معدل عملکرد و تلاش دولت سیزدهم است، براساس گزارش بانک مرکزی و مرکز آمار، در هر دو سال بالای ۴ درصد بوده است.

ریل، آن هم بعد از یک دهه معطلی اقتصاد قطعاً هم انرژی و توان مضاعفی نیاز داشته و هم نتایج ملموس آن برای مردم به تأخیر می‌افتد. دولت سیزدهم بعد از دولتی بر سرکار آمد که تمامی فرصت‌های ۸ ساله کشور را معطل ترحم چند کشور نگه داشته بود و تمام فعالیت‌های توسعه‌ای کشور را منوط به آن می‌دانست بنابراین مهمترین تفاوت دولت سیزدهم با دولت قبل را باید در تفاوت رویکرد این دو دولت در مدیریت و حل مسائل کشور تعریف کرد.

حال آنکه امروز شرایط بین‌المللی کشور ما و روابط شکل گرفته در قالب پیمان‌های بزرگی همچون پیمان شانگهای، بریکس، خلق فرصت‌ها و ارتباطات جدید با کشورهای همسایه و پیرامونی همچون

بازگرداندن اقتصاد به ریل، آن هم بعد از یک دهه معطلی اقتصاد قطعاً هم انرژی و توان مضاعفی نیاز داشته و هم نتایج ملموس آن برای مردم به تأخیر می‌افتد و دولت ناچار است این واقعیت را در برابر روایت‌های نادرستی که به دنبال تزریق ناامیدی به جامعه است بازخوانی کند.

مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی در پاسخ به گزارش مورخ ۹/۲۰/۱۴۰۲ با تیتیر «تاکتیک حمله به تیم روحانی» توضیح داد: زمانی که از سوی مخالفان دولت تمام اقدامات و آثار آن وارونه‌نمایی می‌شود تا روایت‌هایی صحیح تحت‌الشعاع این روایت‌های نادرست قرار گیرد، طبیعی است شرایطی که دولت سیزدهم روی کار آمد و پیشینه آن یادآوری شود چراکه بازگرداندن اقتصاد به

